

# بسمه

سال پنجم • شماره ۴۹

۹ صفحه • مهر ماه ۱۴۰۰

ماهنامه سیاسی

@anjomanalzahra

@anjoman\_islami\_alzahra

انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه الزهراء(س)

## سخن سر دبیر

افتخار نیروهای مسلح ما این است که نیروهای مسلح در کشور عزیز ما حصار و قلعه‌ی مستحکمی هستند برای کشور و برای ملت. همان‌طور که امیرالمؤمنین فرمود «فَالْجُنُودُ بِإِذْنِ اللَّهِ حُصُونُ الرَّعِيَّةِ»، این به معنای واقعی کلمه در کشور ما تحقق پیدا کرده و امروز سازمان‌های نیروهای مسلح - ارتش، سپاه، نیروی انتظامی، بسیج - به معنای واقعی کلمه، سپر دفاعی در برابر تهدیدهای سخت دشمنان بیرونی و درونی هست.

بیانات مقام معظم رهبری در مراسم مشترک دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه‌های افسری نیروهای مسلح ۱۱ مهر ۱۴۰۰

اهمیت این بیانات زمانی برای ما به عینه پدیدار می‌شوند که در کشور همسایه‌مان، حوادثی رخ دهد که آرامش نسبی این کشور را بعد از ماه‌ها نزاع و درگیری، برهم می‌زند.

روزهایی که در این ماه گذشت، برای شیعیان و ملت افغانستان، بسیار دردناک و خونین بود. حادثه‌های فاجعه‌باری که در دو جمع‌هی متوالی در مسجد و حسینیه اتفاق افتاد، دل تمام مردم جهان، به خصوص ایرانیان را به درد آورد و جانسوز بود چراکه افغانستان برادرمان محسوب می‌شود و مصیبتی که برای آن‌ها اتفاق افتاد، زخمی است بر پیکر ایران این انفجارها و حملات انتحاری، در مسجد فاطمیه قندهار و مسجد سیدآباد قندوز هنگام اقامه نماز جمعه اتفاق افتاده است، که افراد بسیاری در این بین شهید و مجروح شدند. تصاویری که از این فاجعه مخیره می‌شود، حتی قابل توصیف نیست که چقدر دردناک است. انفجار قندوز پس از خروج نیروهای ناتو به رهبری ایالات متحده از افغانستان، شدیدترین انفجار بوده است. البته حملات انتحاری به مساجد شیعیان با واکنش گسترده داخلی و خارجی مواجه شد و همه کشورها از جمله جمهوری اسلامی ایران و سازمان ملل این اتفاق را محکوم کردند و از طالبان خواستند که تأمین امنیت مردم را برعهده گیرند و عاملان این جنایت را مجازات کنند، اما با همه‌ی این‌ها، چیزی که نمایان است، وحشت مردم از حضور در اجتماع است که اتفاقاً به حق هم هست، و همچنین عدم وجود امنیت برای همه‌ی مذاهب در افغانستان می‌باشد.

حکومت حتماً مسئول تأمین امنیت برای تمام اقشار مردم است و این از حقوق اولیه مردم یک کشور محسوب می‌شود، که متأسفانه در افغانستان، کمتر شاهد آن بودیم.

از اعماق وجود آرزومندیم روزی برسد که این منطقه غرب آسیا، با وجود منابع و معادن سرشار و ثروت قابل توجه، روی خوش امنیت را ببیند و شاهد خروج غیربومیان و بیگانگان باشیم که بعضاً در پوشش تأمین امنیت وارد منطقه شده‌اند، اما در واقعیت با هدفی که در ظاهر دارند، در تعارض هست.

فاطمه هراتی نیک



## قصه نفوذ در تأمین بقای یوز...! (ص ۲)

پروژه نفوذ با پوشش‌های متخلف در سازمان‌های دولتی

### نخستین رئیس جمهور

(ص ۵)

### سالاریت مردم

(ص ۴)

### حضور زنان در سیاست

(ص ۸)

### هواپیمای سی-۱۳۰

(ص ۶)

# قصه نفوذ در تأمین بقای یوز...!

پروژه نفوذ با پوشش‌های متخلف در سازمان‌های دولتی

● زهرا صحرانورد

نفوذ کلید واژه‌ای است که از گذشته‌های دور در بین کشورهای دارای قدرت مفهومی پرکاربرد بود.

واژه‌ای که شاید بتوان گفت ایرانی و ایرانی‌تبار بیشتر از هر فرد دیگری طعم ناخوش و تلخ آن را چشیده است و همچنان هم ادامه دارد. این واژه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی بسیار ملموس‌تر و پرکاربردتر از قبل شده است.

اما تازه‌ترین اخبار از این کلید واژه، نفوذ جاسوسان در لباس مدیران ارگان‌های دولتی از جمله سازمان حفاظت از محیط زیست است که در دوران بعد از برجام یعنی سال ۹۶ بیشتر آشکار شد. این درحالی بود که بارها مقام معظم رهبری هشدارهایی را ذکر کردند و فرمودند: «مسئله بعد از برجام از مسئله برجام مهم‌تر است.» همچنین ایشان خاطرنشان کردند که «برجام فرصت‌هایی را هم در داخل ایران و هم بیرون از ایران و در منطقه، در اختیار آمریکا قرار داده است.»

نمونه‌ای از این فرصت‌طلبی دشمنان ایران عزیزمان، ماجرای نفوذ در سازمان حفاظت از محیط زیست است که به این شرح می‌باشد؛

پروژه «یوز آسیایی» در سال ۱۳۷۷ با تهیه پیش‌نویسی برای ساز و کار آن کلید خورد و در ۱۳۸۰ با مشارکت سازمان حفاظت از محیط زیست و با کمک ۷۲۰۰۰۰ دلار سازمان ملل رسماً کار خود را آغاز کرد و قرار بود ۴ ساله به دستاوردهای بزرگی در این زمینه برسد و گزارش‌های تفصیلی از عملکرد خود منتشر کند. ولی نه تنها ظرف ۴ سال این پروژه، با وجود هزینه‌های بالا از بودجه سازمان

حفاظت از محیط زیست، به سرانجامی نرسید، بلکه کارشناسان سازمان ملل که در سال ۲۰۰۹ عملکرد آن را ارزیابی کردند، چندان از روند اجرای پروژه راضی نبودند.

سال ۹۲، با برگشتن معصومه ابتکار به رأس سازمان حفاظت از محیط زیست، دوباره سند پروژه «حفاظت از یوز آسیایی» با سازمان ملل امضاء می‌شود! در ۱۲ آبان ۹۲، در مراسمی با حضور معصومه ابتکار و گری لوییس، نماینده مستقر سازمان ملل در ایران، احمدعلی کیخا، معاون وقت محیط طبیعی و تنوع زیستی ابتکار، در محل سازمان محیط زیست برگزار شد، تحت عنوان «فاز دوم» پروژه «حفاظت از یوز آسیایی» تفاهم‌نامه‌ای دوباره امضاء شد، بی‌آنکه دقیقاً مشخص شود که «فاز» قبلی پروژه که از سال ۱۳۸۰ رسماً آغاز شد، به کجا رسید و چه دستاوردی داشت.

اما حضور «گری لوییس» در این مراسم بسیار پرمعنا می‌باشد، گری لوییس کسی است که با انتشار خبر خودکشی «کاووس سیدامامی» چنین توثیق زد: «او انسان خوبی بود که به طبیعت و ایران عشق می‌ورزید. او دوست من بود و ما در غم از دست‌دادن او شریک هستیم.»

لوییس ارتباط نزدیک و تنگاتنگی با متهمان اصلی دستگیر شده پرونده «یوزگیت» و عملکرد مؤسسه «حیات‌وحش میراث پارسیان» داشت. او در همان مراسم «فاز دوم»، در توجیه تداوم پروژه یوز چنین گفت: «در ارزیابی فاز اول پروژه حفاظت از یوزپلنگ آسیایی که در سال ۲۰۰۸ انجام شد، مشخص شد این پروژه نقش مهمی در نجات یوزپلنگ از

انقراض داشته است.»

این ادعا در حالی بود که عیسی کلاتتری، رئیس وقت سازمان حفاظت از محیط زیست، در ۲۴ مهر ۹۶، در اولین نشست خبری خود گفت: «تعداد یوزپلنگ‌های ایران از ۱۱۲ قلاده به ۴۷ قلاده رسیده است چون این حیوانات گرسنه هستند و پوشش گیاهی مناسبی وجود ندارد تا امکان رشد حیواناتی که یوزپلنگ‌های موجود از آن‌ها تغذیه می‌کنند، فراهم شود.»

با توجه به این مسئله پس عملاً برنامه‌ای که برای یوزها وجود داشت و ۱۶ سال این برنامه پیاده می‌شد جواب نداده بود و باید در همان فاز اول متوقف می‌شد!

ماجرا از آنجایی حساس‌تر می‌شود که در ۱۸ آبان ۹۶ سازمان ملل اعلام کرد که دیگر از این پروژه در ایران حمایت نمی‌کند! به بیانی دیگر ۱۶ سال سرمایه‌گذاری و شبکه‌سازی با هدف حفاظت از یوزها نبود بلکه اهدافی دیگر در پشت پرده این پروژه نهفته شده بود اما این پروژه همچنان با توجیهاتی که مسئولان وقت می‌کردند ادامه یافت به گونه‌ای که کل پروژه حفاظت از یوز با رفتن سازمان ملل، در اختیار یک مؤسسه غیردولتی قرار گرفت که برخی از اعضای هیئت مدیره آن، همزمان در سازمان حفاظت از محیط زیست نیز سمت داشتند.

پیچیدگی‌های کار مؤسسه «حیات‌وحش میراث پارسیان» در زمینه نفوذ که نشان از زدگی و کاربلدی اتاق فکر این مؤسسه بود زمانی آشکار می‌شود که در سایت این مؤسسه در بخش «چگونه کار

ایران و برخی از استان‌های کشور سفر کرده‌اند که از جمله اهداف آن‌ها، ایجاد مؤسسه‌ای در قالب فعالیت‌های زیست محیطی بوده و طبق اسناد موجود، این مؤسسه در حدود یک دهه قبل در ایران با طراحی آمریکایی‌ها برای تحقق اهداف مدنظر سرویس‌های اطلاعاتی سازمان سیا و موساد و جمع‌آوری اطلاعات طبقه‌بندی شده در حوزه‌های دفاعی و موشکی کشور ایجاد شده است.

ما اگر بخواهیم استقلال حقیقی بدست آوریم، باید سعی کنیم تمامی

توسط عوامل این گروه کار گذاشته شده، در همان منطقه بوده است.

مروری داشته باشیم بر توضیحات دادستان تهران، جعفری دولت‌آبادی، درباره ماهیت پرونده جاسوسی بازداشتی‌های محیط زیستی: «متهمان پرونده با هدایت افسران اطلاعاتی سیا و موساد ماموریت‌های سه‌گانه‌ای را شامل موضوعات زیست محیطی، نفوذ در جامعه علمی ایران و جمع‌آوری اطلاعات از اماکن حساس و حیاتی کشور از جمله پایگاه‌های موشکی کشور، دنبال می‌کرده‌اند؛ در

می‌کنیم»، توضیحی درباره اهمیت کار «قومیت‌شناسی» و شناخت مردم بومی و قومیت‌های ایرانی آمده بود و از قضا، کاووس سید امامی جامعه شناسی بود که آثار مکتوب بسیاری با موضوع قومیت‌شناسی در ایران داشت و در این میان ارتباط تنگاتنگ این فرد با این سازمان آشکار شد.

در پیوند با همین موضوع، یکی از موارد به شدت مشکوکی که نظر اهل فن را در همان زمان مطرح شدن، به خود جلب کرد، اصرار شدید و پیگیرانه عوامل مؤسسه «حیات‌وحش میراث پارسیان» بر پاک‌سازی از آغل‌های دام اهلی و قرق «منطقه حفاظت شده توران» در حوالی شهر شاهرود سمنان بود. آن‌ها تحت پوشش محیط زیست حتی کمپینی را به اسم «با یوز تا ابد» راه انداختند که محوریت آن به عهده ا.ح.خ یکی از متهمان بازداشت شده در این پرونده و یک بازیگر زن سینما بود. با اعلام شماره حساب شخصی این بازیگر، حدود ۸۰۰ میلیون تومان پول هم برای خرید ۹ آغل دام در منطقه از سوی دوستداران محیط زیست جمع‌آوری شد.

این کمپین که ظاهراً شخصی و غیردولتی بود، اما در ۲۵ شهریور ۹۶ از حمایت‌های مدیرکل دفتر حیات‌وحش و تنوع زیستی سازمان حفاظت از محیط زیست بی‌بهره ماند، او نوشت: «کمپین حفاظت از یوزپلنگ ایرانی با عنوان «یوز تا ابد» با هماهنگی پروژه یوز بوده و پروژه هم جزئی از سازمان محیط زیست است.»

اما نکته اصلی و مهم اینجاست که پارک ملی توران (ذخیره‌گاه زیست کره توران) درست در شمال «کویر مرکزی» ایران واقع شده است. کویر مرکزی ایران یکی از مکان‌های اصلی در آزمایش‌های موشکی و تسلیحاتی نیروهای مسلح ماست. طبق برخی گزارش‌ها، بخش زیادی از دوربین‌هایی که برای رصد فعالیت موشکی ایران

**اما تازه‌ترین اخبار از این کلید واژه، نفوذ جاسوسان در لباس مدیران ارگان‌های دولتی از جمله سازمان حفاظت از محیط زیست است که در دوران بعد از برجام یعنی سال ۹۶ بیشتر آشکار شد. این در حالی بود که بارها مقام معظم رهبری هشدارهایی را ذکر کردند و فرمودند: «مسئله بعد از برجام از مسئله برجام مهم‌تر است.» همچنین ایشان خاطر نشان کردند که «برجام فرصت‌هایی را هم در داخل ایران و هم بیرون از ایران و در منطقه، در اختیار آمریکا قرار داده است.»**

اشکال نفوذ چه اقتصادی، چه نظامی، چه سیاسی و فرهنگی را از بین ببریم.

امام خمینی (ره) | ۹ | اسفند ۱۳۵۷

در پایان سخنی از طرف مردم ایران عزیزمان از جمله جوانان غیور و انقلابی خطاب به دشمنان این مرز و بوم می‌گوییم که ایران و ایرانی همیشه خواهد بود و تا پای جان پای پرچم سه رنگ کشورش خواهد ماند، حتی با وجود مشکلات و موانعی که بر سر راه وجود دارد اصلاً وجود این موانع مسیر پیروزی و غلبه بر آن را شیرین‌تر می‌کند.::

تحقیقات انجام شده برخی متهمان به انجام سفرهای متعدد به سرزمین‌های اشغالی از جمله به منظور شرکت در کنفرانس منارید که با حضور افسر اطلاعاتی موساد در رژیم صهیونیستی برگزار شده، اقرار و اذعان نموده‌اند که هدف کلی پروژه مشترک سازمان سیا و موساد، ایجاد بحران در برخی از حوزه‌های زیست محیطی ایران بوده و اطلاعات جمع‌آوری شده از طریق عوامل پنهان به آمریکا انتقال می‌یافته و در همین راستا دو نفر از افسران سازمان اطلاعات آمریکا با هویت معلوم در پوشش‌های مختلف به

## سالاریت مردم

بازخوانی عبارت مردمسالاری دینی از منظر رهبران انقلاب

کوشش پاریزی

و فردی تبدیل کرد به یک حکومت مردمی و جمهوریت و مردمسالاری. در مردمسالاری دینی مردم اصلند نه فقط در تعیین حاکم، بلکه در همه امور زندگی صاحب رأی و صاحب تدبیر و صاحب تصمیم هستند. مهم‌ترین کار اصولی‌ای که انقلاب کرده، تبدیل نظام طاغوت سالار به نظام مردم سالار است. این مهم‌ترین کاریست که انقلاب کرده است آن هم با الهام از تعالیم اسلامی نه با مکتب‌های نظریه‌پردازان مختلف و نقص‌ها و تعارضاتی که در حرف‌هایشان هست، با الهام از اسلام و با الهام از قرآن. اگر مردمسالاری در دین نبود و خدایی نبود امام کسی نبود که به آن تن بدهد.»

باتوجه در سخنان امام خامنه‌ای نیز مفهوم مردمسالاری دینی برای ما آشکار می‌شود. ایشان به اصل بودن مردم در تعیین حکومت و در همه امور زندگی تأکید دارند. این‌ها فقط در مقام سخن نیست، بلکه اصل بودن مردم در تعیین حکومت خود را در انتخابات هر دوره‌ی جمهوری اسلامی نشان می‌دهد و اصل بودن در همه‌ی امور زندگی با اندکی تأمل در تفاوت تصمیم‌گیری مردم در زمان طاغوت و بعد از انقلاب مشخص می‌شود.

تأکیدات امام خامنه‌ای به اسلام و قرآن و خدایی بودن این الگو خود، نیازمند توجه ویژه‌ای است. این همان مفهوم دینی بودن در عبارت مردمسالاری دینی است.

گوشه‌ای از سخنان رهبران انقلاب حول مردمسالاری دینی را خواندیم. در دیدگاه‌های کمتر رهبری از رهبران انقلاب‌های جهان می‌توان چنین جایگاهی برای مردم را دید و میزان اجرایی شدن این الگو در هیچ جای جهان به اندازه‌ی جمهوری اسلامی نبوده است.

با کنکاشی در اقوال ایشان به خوبی می‌توان زوایای مختلف مردمسالاری دینی را مشاهده کرد. کلید واژه‌های جمهوری و آرای عمومی نشان‌دهنده‌ی اعتقاد امام به مردمسالاری و تأکید بر اسلام و اجرای احکام آن، نشان‌دهنده‌ی دینی بودن این مردمسالاری است.



امام سیاست خود را بر مبنای آزادی، استقلال و حفظ منافع مردم می‌دانستند و می‌فرمودند: «این اصل را هرگز فدای چیزی نمی‌کنند.»

یکی دیگر از اعتقادات امام به مردمسالاری دینی در این سخن ایشان دیده می‌شود که فرموده‌اند: «آگاهی مردم و مشارکت و نظارت و همگامی آنها در حکومت منتخب خودشان، خود بزرگترین ضمانت حفظ امنیت در جامعه خواهد بود.»

امام تأکید داشتند که مردم باید نظارت در امور مملکتی را نیز برعهده بگیرند و انتقاد و ارزیابی امور حکومت را در کارهای خود قرار دهند و ناظر و هادی مجریان و متولیان امور حکومت باشند. از نظر امام خامنه‌ای «انقلاب، مدیریت کشور را از یک حکومت استبدادی پادشاهی

مسئله مؤثر بودن مردم در سرنوشت جامعه‌ی خود، امریست که از زمان‌های گذشته در نظریات نظریه‌پردازان بسیاری در قالب الگوهای مختلف مطرح شده‌است. اما آنچه که حائز اهمیت است، اجرای این الگو در سطح یک جامعه است. جمهوری اسلامی

ایران، بعد از انقلاب، توانست الگوی مردمسالاری دینی را در سطح جامعه‌ی خود عملی و دستاوردهای بسیاری را از آن دریافت کند. حقیقتاً دیدگاه‌های رهبران جمهوری اسلامی، در اجرای این الگو بسیار مؤثر بوده است. در این یادداشت سعی می‌شود نگاهی به آراء رهبران انقلاب درباره‌ی مردمسالاری دینی شود.

از نظر امام خمینی: «حکومت جمهوری...متمکی به قانون اسلام [است]؛ این را جمهوری اسلامی می‌گوییم و این مورد نظر ماست.» و یا اینکه ایشان فرموده‌اند: «ماهیت جمهوری اسلامی این است که با شرایطی که اسلام برای حکومت قرار داده است، با اتکا به آرای عمومی ملت، حکومت تشکیل شده و مجری احکام اسلام باشد.»



## نخستین رئیس جمهور

مردی که سالها است در قلبهای مردم ایران مرده است

● رقیه خادم‌نیا

ایران را سیاه کرد. او از ورود تسلیحات نظامی به کشور خودداری کرد درحالیکه کشور عراق از حمایت قدرت‌های جهانی برخوردار بود. اگرچه ایران در ابتدای جنگ از ساده‌ترین ابزارها برای دفاع از خود محروم بود اما جوانان غیور این مرز و بوم با تکیه بر توانمندی‌های خود توانستند هشت سال جوانمردانه مبارزه کنند و از دل این دلاورمردان، فرماندهان بزرگی پرورش یافتند که وفاداری خود را به این آب و خاک در مقابل دیدگان همه‌ی جهانیان به اثبات رساندند. درود خدا بر عاشقان وطن!

بی‌کفایتی و سستی ورزیدن بنی‌صدر در اداره کشور منجر به تصویب شدن طرح برکناری او در مجلس شورای اسلامی شد و در نهایت امام خمینی بنی‌صدر را از ریاست جمهوری اسلامی ایران عزل نمود.

بنی‌صدر پس از برکناری از مسند ریاست جمهوری به پیشنهاد منافقین و با کمک آن‌ها در پوشش زنانه به همراه مسعود رجوی که سرکرده سازمان مجاهدین خلق بود، در روز چهارشنبه ۷ مرداد ۰۶۳۱ از کشور گریخت.

بنی‌صدر پس از خروج از ایران همچنان به فعالیت‌های خود علیه ایران ادامه داد. از جمله‌ی این موارد، در فرانسه همراه با مسعود رجوی شورای ملی مقاومت را تأسیس کرد اما بعدها از آن جدا شد.

او تا پیش از مرگ در ورسای، شهری در حومه پاریس هفته‌نامه انقلاب اسلامی در هجرت را منتشر می‌کرد.

بنی‌صدر در چهل سالگی انقلاب اسلامی طی مصاحبه‌ای اذعان داشت که سقوط جمهوری اسلامی قطعی است.

اما زهی خیال باطل!

سرانجام بنی‌صدر در ۷۱ مهر ۰۰۴۱ در ۸۸ سالگی در بیمارستان سالپتریه پاریس درگذشت. هرچند که او خیلی سال است که در قلب مردم ایران مرده است.

پوشش نماینده یک شرکت تجاری در تهران حضور پیدا می‌کند و بنی‌صدر به عنوان مشاور اقتصادی شرکت تجاری به سازمان سیا می‌پیوندد.

بنی‌صدر در انتخابات ۵ بهمن ۸۵۳۱ شرکت کرد و از مجموع ۴۱ میلیون رأی، قریب به ۱۱ میلیون رأی کسب کرد. امام‌خمینی نیز به انتخاب مردم احترام گذاشت و این چهره سرانجام بر کرسی ریاست جمهوری اسلامی ایران نشست.

بنی‌صدر در طول دوره ریاست جمهوری، چهره‌ی واقعی خود را به امام و مردم نشان داد.

دستور انهدام بقایای تجهیزات نظامی آمریکا، که سبب از بین رفتن همه اسناد موجود در هلی‌کوپترهای آمریکایی شد، نمونه‌ای آشکار از همکاری او با سازمان سیا می‌باشد.

از دیگر خیانت‌های بنی‌صدر به انقلاب، پیوستن او به منافقین بود.

بنی‌صدر که از چهره‌های شناخته شده انقلاب اسلامی بود، در ابتدا به مخالفت با گروهک منافقین پرداخت و به همراه آیت‌الله سیدمحمد بهشتی گروه‌های منافقین را از دادگاه اخراج نمود. این اقدام محبوبیت او را دو چندان کرد. منافقین نقشی در ریاست جمهوری او نداشتند اما بنی‌صدر به مرور در دام منافقین افتاد و آن‌ها از بنی‌صدر نهایت استفاده را برای نابودی انقلاب کردند. آن‌ها بسیار کوشیدند تا نفوذ روحانیون در اداره کشور را به حداقل برسانند اما مردم فهیم ایران پشت امام خود را خالی نکردند و سراپا گوش به فرمان امام خمینی بودند.

بنی‌صدر چهره خائنانه خود را در جنگ تحمیلی نیز نشان داد. او به دلیل بی‌کفایتی، عدم برخوردارگی کافی از دانش نظامی و بی‌توجهی به هشدارهای دولت عراق مبنی بر حمله به ایران باعث ایجاد جنگی شد که روزگار مردم



سیدابوالحسن بنی‌صدر، زاده ۲ فروردین ۲۱۳۱ در همدان بود. پدرش سیدنصرالله روحانی بانفوذ همدان بود و از دوستان امام خمینی محسوب می‌شد.

بنی‌صدر دوران مدرسه را در زادگاه خود گذراند و در دانشگاه تهران به تحصیل در رشته‌های اقتصاد و حقوق پرداخت. دکترای خود را از دانشگاه سوربن دریافت کرد. همچنین او دو زبان عربی و فرانسه را نیز به خوبی می‌دانست.

در ۷ شهریور ۰۴۳۱ ازدواج کرد و صاحب دو دختر و یک پسر شد.

بنی‌صدر در زمینه‌های بسیاری فعالیت داشت.

در دوران قبل از انقلاب فعالیت‌های سیاسی داشت و حتی دستگیر هم شده بود. با پیروزی انقلاب او از جمله کسانی بود که به امام پیوست. مسئولیت‌هایی را نیز عهده‌دار شد اما با دولت موقت همکاری نکرد.

ارتباط بنی‌صدر با لانه جاسوسی آمریکا و سازمان سیا چهره واقعی او را عیان می‌سازد. در اعترافات رئیس قرارگاه سیا در تهران، تام آهن، چنین آمده است که یکی از جاسوسان در مرداد ۸۵ در

# هواپیمای سی-۱۳۰

ماجرای سقوط هواپیمای حامل فرماندهان ارشد در مهرماه ۱۳۶۰

● آتنا هوشمند

خون‌ها را پاک کردم و دیدم از سمت چپ‌مان آتش بالا می‌زند. نگاه کردم دیدم مهندس پرواز با سر به زیر پتل اینسترومنت رفته. بلندش کردم دیدم شهید شده است ... من و بقیه بچه‌ها به شدت زخمی بودیم و شرایط عادی نداشتیم. سمت راست هواپیما پاره شده بود. از همان سمت وارد شدیم تا اگر کسی زنده است نجات دهیم. داخل هواپیما پر از گرد و غبار و دود آتش بود. هم شرایط پرواز سخت بود هم صدای ضجه افراد که هنوز در گوشم هست. در کل ۲۳ نفر از این حادثه جان سالم به در بردند.»

این‌ها سخنان آقای علی صولتی، خلبان هواپیمای سی-۱۳۰ مهر ماه ۱۳۶۰ است. هواپیمایی که حامل اشخاص مهمی چون سرلشکر ولی‌الله فلاحتی، رئیس ستاد ارتش؛ یوسف کلاه‌دوز، قائم مقام سپاه؛ سید موسی نامجو، وزیر دفاع؛ جواد فکوری، فرمانده نیروی هوایی و مشاور جانشین ستاد ارتش و محمد جهان‌آرا، فرمانده سپاه خرمشهر بود. اعلام نشدن نام محمد جهان‌آرا، در روزهای اول در میان

بروید بنشینید و کمربند خود را هم ببندید. هواپیما موتور و برق خود را از دست داده، هیدرولیک نداریم و همه چیزمان را هم از دست دادیم و اصابت‌مان به زمین قطعی است. چند لحظه به سمت سیستم اینسترومنت (نشان‌دهنده‌ها و آلات دقیق) چراغ قوه انداخت و دسته گاز را جلو داد اما دید هیچ اتفاقی نمی‌افتد. چراغ قوه را به من داد و رفت. هر لحظه منتظر برخورد بودم. تنها چیزی که از هواپیما باقی مانده بود، باطری بود. با دیسپچ تماس گرفتم و وضعیت را اطلاع دادم و گفتم من مسیر را از پالایشگاه منحرف کردم، دیگر هر اقدامی که می‌دانید بکنید. سانحه ما صد در صد است به بچه‌ها هم گفتم بروید پایین و هر کسی کار خودش را بکند. می‌دانستم اگر برخورد کنیم، فشار به قدری است که هیچ کس نمی‌تواند کاری کند بنابراین خواستم اقدامات لازم را همین الان انجام دهند ... بازوهایم از فشار در حال ترکیدن بود. هواپیما به زمین اصابت کرد. چند ثانیه هیچ چیزی نفهمیدم. سرم شکسته بود و نمی‌توانستم جلوی چشمم را ببینم.

«داشتیم کارهای قبل از نشستن را انجام می‌دادیم؛ هم زمان با آن صدای انفجار مهیبی از قسمت راست هواپیما مانند جرقه‌های «های ولتاژ» صورت گرفت و به دنبال آن چهار موتور هواپیما از کار افتاد و برق هواپیما به طور کامل قطع شد. حالت وحشتناکی در تاریکی شب بود که بیانش سخت است. هواپیما مثل یک گلوله سنگی شروع به سقوط کرد، بچه‌ها شوکه شده بودند. تنها کاری که کردم، به دوستانم گفتم کمربندهایتان را قفل کنید که در زمان ضربه، به جایی نخورید. می‌دانستم در حال نزدیک شدن به پالایشگاه هستیم ... حالت بسیار سختی بود. البته قبلاً آموزش برای حرکت به صورت گلااید (پرواز بدون موتور) را دیده بودم. هم‌زمان تیمسار فکوری آمد بالا. چون خودش خلبان بود، متوجه ماجرا و وجود اشکال شده بود. من به همراه مهندس پرواز -حسینی- مشغول بودیم تا شاید بتوانیم مجدداً هواپیما را راه‌اندازی کنیم اما هیچ اتفاقی نمی‌افتاد. تیمسار فکوری پرسید جوان چه شده؟ گفتم تیمسار خواهش می‌کنم





دو نفر آمده بودند، همان قسمتی که انفجار رخ داد را باز کردند. آقای صولتی پرسیدند: «چرا قبل از پرواز آمده بودند آنجا؟» آقای صابر گفتند: «دو نفر متخصص برق آمده بودند آنجا. آن در را باز کردند. من هم به آنها اعلام کردم: چرا اینجا را باز می‌کنید؟ گفتند: به ما اعلام کردند که هواپیما را بازدید کنیم یک‌وقت خلبان اسلحه قایم نکرده باشد.»

به هر روی این اتفاق تلخ، آن هم در زمان جنگ نابرابر، بسیار تأثیرگذارتر از هر زمان دیگری است و اما جالب‌تر آنکه هیچ‌کس پیگیر نشد که آن دو نفر که بودند و چه کسی به آنها اعلام کرده بود که هواپیما را بررسی کنند.

را زمین بزند. اینکه چهار موتور یک هواپیما با هم بخواد خاموش شود یا از کار بیفتد تقریباً امکان پذیر نیست.» چرا هواپیما بیش از حد بنزین داشت و بیشتر افراد به علت سوختگی شدید شهید شده بودند؟

اگر همه شواهد و قرائن را کنار هم بگذارید می‌بینید طیفی در داخل از این ماجرا سود بردند. این هواپیما چهار موتور داشته که هم زمان هر چهار تا از کار می‌افتند. اما این موتورها مستقل عمل می‌کنند. پس شیر بنزین و هوایی هرچهار موتور هم‌زمان بسته شده است. آیا چنین واقعه‌ای ممکن است؟!

شایان ذکر است که آقای صابر به خلبان صولتی گفتند: «قبل از پرواز

شهادت اولیه سقوط هواپیما مشکوک بود. چرا نباید نام فرمانده سپاه خرمشهر که می‌توانست نقش کلیدی در آزادسازی این شهر داشته باشد، در روزهای اول برده شود؟ این سؤالی بود که هیچگاه پاسخی به آن داده نشد. همچنین شهادت افرادی که سابقه ترور به دست منافقین یا تهدید به ترور را داشتند نشانه این بود که سقوط این هواپیما نمی‌توانسته اتفاقی باشد. کاپیتان شهبازی می‌گوید: «هواپیمای سی-۱۳۰ یکی از هواپیماهای شاهکار و ستاره هواپیمایی ساخت آمریکاست. آن قدری این هواپیما ایمن هست که حتی ما ضرب‌المثلی داریم که می‌گوییم که خلبانی از مادر زاده نشده که هواپیمای به این ایمنی را بتواند زمین بزند. حتی اگر عمداً بخواد آن

# حضور زنان در سیاست

● مریم امینی کوچکی سرایی

تشکیل شبکه سازمان‌های غیردولتی زنان در ایران به عنوان رئیس این شبکه انتخاب شد. علاوه بر این وی مسئولیت‌های مدنی شامل عضویت مؤسس و ریاست هیئت مدیره مرکز غیردولتی صلح و محیط زیست، هیئت امنای بنیاد زینب کبری که تشکل غیردولتی حامی کودکان بی‌سرپرست است را نیز برعهده دارد.

وی در ۱۱ مرداد ۱۳۷۶ و همزمان با آغاز کار دولت اصلاحات از سوی سید محمد خاتمی، رئیس‌جمهور وقت به عنوان معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان حفاظت محیط زیست تعیین شد و تا پایان کار دولت هشتم در این سمت ماند. پس از آن به عنوان نماینده منتخب مردم تهران در شورای اسلامی شهر تهران مشغول به فعالیت شد.

پس از پایان دولت دهم و آغاز کار دولت یازدهم جمهوری اسلامی ایران، حسن روحانی، رئیس‌جمهور وقت، طی حکمی ابتکار را ریاست معاونت امور زنان و خانواده رئیس‌جمهور و ریاست سازمان حفاظت محیط زیست منصوب نمود.

یکی از بحث‌های جنجالی پیش آمده در دولت دوازدهم، موضوع مدیران دو تابعیتی بود که پس از طرح در مجلس شورای اسلامی، توسط برخی نمایندگان پیگیری شد. لیست مدیران دو تابعیتی در نهایت در تاریخ ۱ مرداد ۱۳۹۸ توسط جواد کریمی قدوسی (نماینده مردم مشهد در مجلس شورای اسلامی) در اختیار رسانه‌ها قرار گرفت. در این لیست نام معصومه ابتکار نیز به عنوان مدیر دو تابعیتی دیده می‌شود.

ابتکار این مسئله را تکذیب و از جواد کریمی قدوسی شکایت کرده‌است؛ اما در عرصه محیط زیست، سیاسی‌کاری معصومه ابتکار به‌جای پرداختن به محیط زیست تا نقطه‌ای پیش رفت



خیمینی (ره) را ببیند. بعد از دیدار او و خانواده‌اش با امام (ره) در فرانسه، چند ماه در آمریکا می‌ماند اما چند ماه بیشتر در آمریکا دوام نمی‌آورد، بعد از پیروزی انقلاب، بدون خبر پدر و مادرش به ایران بازگشت و در ۱۳۶۰ در رشته تکنولوژی پزشکی در دانشگاه شهید بهشتی قبول شد و کارشناسی ارشد و دکتری را نیز در رشته ایمنی شناسی (ایمونولوژی) از دانشگاه تربیت مدرس کسب کرد.

در اردیبهشت ۱۳۹۵ خورشیدی نیز ابتکار از طرف دانشگاه مطالعات خارجی هانکوک کره جنوبی به دریافت دکتری افتخاری علوم سیاسی این دانشگاه نائل آمد. رییس دانشگاه هانکوک اعلام کرد که علت این عنوان، تلاش‌های صورت گرفته توسط ابتکار برای تقویت همکاری‌ها در زمینه صلح جهانی و حفظ محیط زیست بوده است.

ابتکار در شورای سردبیری روزنامه کیهان انگلیسی به فعالیت مطبوعاتی پرداخت و سپس امتیاز فصلنامه فرزانه را گرفت و به انتشار آن پرداخت. او طی سال‌های ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۵ مؤسسه مطالعات و تحقیقات مسائل زنان را تأسیس کرد. ابتکار در آستانه برگزاری چهارمین کنفرانس جهانی زن، مسئولیت دفتر هماهنگی سازمان‌های غیردولتی زنان را برعهده گرفت و همزمان نایب رئیس کمیته ملی این کنفرانس نیز بود. او در سال ۱۳۷۵ با

معصومه ابتکار از فعالان سیاسی اصلاح‌طلب، روزنامه‌نگار، مؤلف-مترجم ایرانی، از اعضای مؤسس جبهه مشارکت ایران اسلامی و معاون پیشین امور زنان و خانواده رئیس‌جمهور ایران در دولت حسن روحانی بوده است.

وی نخستین زن ایرانی است که پس از انقلاب ۱۳۵۷ وارد هیئت دولت شده‌است. او بیشتر به‌خاطر نقش خود در تصرف سفارت آمریکا در ۱۳ آبان ۱۳۵۸ و ۸ سال ریاست سازمان حفاظت محیط زیست ایران در دوران ریاست جمهوری محمد خاتمی و ریاست مجدد وی بر این سازمان در دوران ریاست جمهوری حسن روحانی معروف است.

نیلوفر ابتکارمتولد ۳۰ شهریور ۱۳۳۹ فرزند تقی ابتکار است.

او در تهران به دنیا آمد، سپس به همراه والدین خود ۶ سال در شهرهای فیلادلفیا و ایالت ماساچوست در آمریکا اقامت داشت.

معصومه ابتکار پس از بازگشت از آمریکا در مدرسه بین‌المللی ایران زمین تحصیلات خود را به پایان رساند. در دوره انقلاب در رشته شیمی قبول شد اما تعطیلی و اعتصاب دانشگاه‌ها موجب شد، پدر و مادرش او را برای ادامه تحصیل به آمریکا بفرستند اما برای پدر و مادرش شرط می‌گذارد که از مسیر فرانسه به آمریکا بروند تا امام



می‌گفتند که «کار در بحث محیط زیست به جایی رسیده که حداقل باید تحقیق و تفحصی از عملکرد سازمان محیط زیست انجام شود تا مردم بدانند که برخی از مدیران فعالیت‌شان چگونه است.» آنچه مشخص است، مشکلاتی صنفی و زیست محیطی است که گریبان‌گیر این سازمان در زمان مدیریت معصومه ابتکار شده است.

هم‌اکنون از اینکه معصومه ابتکار کجاست و در چه زمینه‌ای فعالیت می‌کند، اطلاعاتی در دسترس نیست.

اما چرا ابتکار که از دانشجویانی بود که در عرصه تسخیر سفارت امریکا فعالیت داشت از اصلاح‌طلبان شد؟

با توجه به اطلاعات حاصله به نظر می‌رسد این عملکرد وی به خاطر عرق سیاسی نسبت به امام خمینی بود و در نهایت در خصوص اصلاح‌طلب بودن او باید گفت وی معتقد است که امروزه بسیاری از نیروهای صرفاً اصلاح‌طلب با جریان اعتدال همگرایی زیادی دارند.

با همه این اوصاف نکته مهمی که نباید از نظر دور داشت این است که باید کماکان در انتخاب‌هایمان دقت کرده تا بهترین انتخاب‌ها را داشته باشیم. البته نکته مهم‌تر از انتخاب این است که احزاب، گروه‌ها و جریان‌های سیاسی اعم از اعتدال و اصلاحات و... وقتی فردی را معرفی کرده و اعتبار یک جریان سیاسی را پشت او قرار می‌دهند باید در ادامه راه مرتب عملکرد، اقدامات و رویکردهای او را رصد و ارزیابی کنند؛ متأسفانه رها کردن نیروها و اینکه افراد به دلیل مشکلات، امتحان‌ها و تطمیع بخواهند از مسیر مردم‌داری و عدالت‌خواهی منحرف شوند، آسیب‌زا است؛ زیرا ما را از اهداف و آرمان‌ها و مردم دور می‌کند.

محیط زیست که در ماجرای بحران ریزگردهای خوزستان به وزیر بهداشت به جهت اینکه زودتر از ابتکار به داد مردم خوزستان رسیده بود، توهین کرد، در این‌جا نیز دولت تدبیر و امید را مقصر این جریان دانست و گفت: «از شعارهای دولت تدبیر و امید انتظار می‌رفت که اوضاع محیط زیست تغییر کند اما متأسفانه آقای روحانی تنها یک نفر را به‌عنوان رئیس سازمان انتخاب کرده و وی را تنها گذاشته است.» در درجه بعدی مجلس نیز در مظان اتهام قرار گرفت و کهرم در حرف‌هایی کاملاً سیاسی بیان داشت که «ساختار مجلس ساختار دولت احمدی‌نژادی است و این امر کار را برای ما مشکل کرده است.»

مردم خوزستان و اهواز نیز از جمله افرادی بودند که به سبب سوء مدیریت در سازمان محیط زیست در رنج و عذاب هستند. مردم خوزستان که چندین و چند ماه است نفس کشیدن برایشان به سبب وقوع بحران ریزگردها مختل شده، اخیراً دچار آسیب زیست محیطی دیگری شده‌اند که برای آنان عذاب‌آورتر بود و بسیار از مردم این استان را یک شبه روانه بیمارستان‌ها کرد.

به هر جهت آنچه شرح داده شد؛ اوضاع و احوال روزهای سازمان محیط زیست و متعاقب آن زیست‌بوم کشور در زمان ریاست ابتکار بود که حالا از لحاظ گستردگی مشکلات و آسیب‌ها وسعت آن بیشتر احساس می‌شود. مجلس شورای اسلامی نیز به سبب اینکه محیط زیست به باشگاه سیاسی و محل درآمدزایی برای عده‌ای خاص تبدیل شده است و به کار اصلی خود به خوبی نمی‌پردازد، درخواست تحقیق و تفحص از این سازمان را داشت. این درخواست نیز بیشتر از سوی نمایندگان خوزستانی به مجلس ارائه شده و این نمایندگان

که وی در تجمع اعتراضی در مورد سگ‌کشی زیر تابلوی «من هم سگ هستم» ایستاد و عکس گرفت اما وقتی کارکنان این سازمان نسبت به نحوه مدیریت وی انتقاد کردند وی به جای حضور در این تجمع آن را فرافکنی نامید و بیان داشت که سیاسی‌کاری می‌کنند و به همین سبب تهدید به اخراج شدند.

در ماجرای سیلی که بعد از تعطیلات عید فطر در مناطق شمالی کشور حادث شد نیز ابتکار با خودرو خود از دور به سرکشی مناطق سیل زده رفت و حتی از ماشین خود برای بررسی میزان آسیب‌دیدگی‌ها پیاده نشد تا مسئولان استان‌های مربوطه نیز به نحوه مدیریت وی گلایه کنند.

سیاسی‌کاری در مدیریت محیط زیست سبب شد تا کارکنان این سازمان دست به طومارنویسی و امضای آن بزنند.

سه نکته مهم در این طومارنویسی مدنظر کارکنان سازمان محیط زیست بود:

اولاً کارکنان از وضعیت زیست محیطی کشور احساس خطر کرده و از لحاظ نکردن نظرات تخصصی کارشناسان در این حیطه گلایه کردند.

ثانیاً وضعیت حقوقی و معیشتی کارکنان مورد انتقاد واقع شد.

ثالثاً تبعیضی که در پرداخت حقوق و مزایا در این سازمان به وجود آمده بود، مورد اعتراض شدید قرار گرفت.

اما پاسخ‌هایی که به نحوه انتقادات داده شد نیز بسیار جالب توجه است و همان شیوه برون‌سپاری مسئولیت مالوف ابتکاری معصومه ابتکار در آن به‌وضوح دیده می‌شود. در همین رابطه اسماعیل کهرم، مشاور جنجالی رئیس سازمان

صاحب امتیاز: انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه الزهرا (س)

مدیر مسئول: کوثر پاریزی

سردبیر: فاطمه هراتی‌نیک

هیئت تحریریه: کوثر پاریزی، زهرا صحرانورد، رقیه خادم‌نیا، مریم امینی کوچک سرایی، آتنا هوشمند و پیراستاری: فاطمه هراتی‌نیک

صفحه آرا: مرضیه انبری

شماره تماس: ۰۹۱۳۹۹۶۸۶۱۱ / ۰۲۱۸۸۰۴۸۰۲۶

انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه الزهرا (س) در صفحات مجازی:

@anjoman\_islami\_alzahra

@anjomanalzahra